

# واژه‌های سرسپرده‌ام را اصلاح کنید

یک

منصور بنی مجیدی شاعری است که به رغم اینکه یک گورستان سخن را، بی غسل و بی کفن، در حجم تنگ تنش دفن کرده است؛ اما از سر درد سخن‌های زیادی برای گفتن دارد. مجموعه **بهاری از خاکستر پاییز**<sup>۱</sup> نخستین دفتر شاعرانگی شاعری است که سال‌های سال با حرف حرف، شعرها را نفس کشیده است. اگر او در شروع دفترش می‌گوید: «عطش به استخوان جگر رسیده است.» باور کنید که چنین حال و هوایی بر شاعر این سطرها حاکم بوده است.

دو

با توجه به نقدهایی که روی این اثر صورت گرفته، جنبه‌های گوناگون این کتاب مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در این نوشته سعی شده است تا به برش‌هایی از بعضی شعرها پرداخته شود که از زمان سرایش تا حال صلابت شعری‌اش همچنان ماندگار و به روز است، این تکه‌های شعری، شاید در بین سطرهای پی در پی پنهان شده و چشم تیزبین خواننده از روی آن‌ها به سادگی گذشته باشد.

«کمر باریک زمان

در حضور و غیاب «من و تو»

به این ساده‌گی تاب برمی‌دارد

و جبر زمان

هر چه حکم کند

جهان بار دیگر به هندسه‌اش

بازنگردد.»

(تا همواره به یادمان باشد، ص ۴۶ و ۴۷)

این شعرها به قدری صمیمی و دلنشین است که آدم احساس می‌کند که هرگز کهنه نمی‌شوند:  
«و این غیبت طولانی  
ظهور ناگهانی‌مان  
از حضور دوباره‌ی جهان واقعی‌تر است.»

(جعبه سیاه، ص ۶۹)

عشق و دلواپسی در سرتاسر این مجموعه هر نفس، به مشام می‌رسد. عشق به دوست، وطن، برادر، همسر، خانواده، دانش‌آموز و هر دوست داشتنی که از عمق قلب صورت می‌گیرد.

«دایه‌گان مهربان!؟

همیشه‌ی خدا

حتا به غارت مروارید چشمان تو

برخاسته‌اند.»

(ساقه‌های اشک، ص ۸۲)

عشق‌های این مجموعه گاه چنان زیباست که حتی پا به پای عاشقانه‌های شاملو حرکت می‌کند:

«خیال نکن که من

یک کشور با تو فاصله دارم

من شاعر خاکی ویرانه‌های

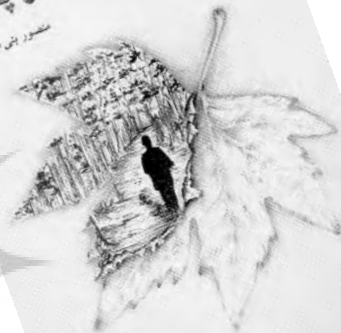
عشق بر باد رفته‌ی تو هستم

نگاه شکسته خسته‌ی تو

آبستن یک دنیا

## بهاری از خاکستر پاییز

منصور بنی مجیدی



به زیبایی اصلاح کنید  
اگر خواستید...  
حتی زبان اش را ببرید»

(ص ۸۵ و ۸۶)

سه

در موفقیت هر کاری عواملی چند دست به دست می دهند تا نتیجه مطلوبی حاصل شود. در توفیق یک مجموعه شعر هم قضیه به همین منوال است. اولین عامل، شعرهای خوب است. این یک طرف کفه این ترازو است. سوی دیگر طرح جلد، صفحه آرایی، قیمت مناسب، ناشر خوب و پخش ایده آل. اینها مسائلی است که دست خودمان است و از حداقل حق خودمان می توانیم نهایت استفاده را بکنیم. هنگامی که عکس این قضیه رخ می دهد جریان حالت عکس می یابد. منصور بنی مجیدی بعد از این مجموعه، آثار دیگری در دست چاپ دارد. از جمله چاپ چند مجموعه شعر (فارسی و ترکی)، گردآوری شعرهای مرحوم بیژن کلکی با نام **دفترهای آلکاپون**، همچنین انتشار نامه های بزرگان ادب و هنر به بیژن و نیز گزیده شعر شاعران آستارا و چند اثر دیگر از جمله برنامه های این شاعر پرکار و البته اندکی حساس آستارایی است.

### پانویس:

۱- بهاری از خاکستر پاییز، منصور بنی مجیدی، انتشارات دهبسرا، چاپ دوم، زمستان

۱۳۸۱.

آه و اندوه است.»

(ساقه های اشک: ص ۷۹)

«غزل خداحافظی» عنوان شعری است که خطاب به همسر نوشته است. خواندن وصیت نامه همیشه جالب است، حال اگر این از قلم یک شاعر باشد؛ جالب تر است. به خصوص اینکه به حال تک تک اعضا سرکشی می کند و از آنها حرف می زند و در نهایت خطاب به دوستان شاعرش توصیه می کند:

«هر چه تلاش می کنم

موضوع این شعرم نمی شود

دوستان؟! یک پیرهن کتاب به من قرض دهید

و شانه های ام را خوب بگیرید

بالای ام بکشید!

حتا مقداری از خودم بالاتر

واژه های سرسپرده ام را